بیهودگی انتخابات در جوامع جهان سوم .



در جامعه ای که حقوق اولیه و حداقل آزادیهای فردی و اجتماعی و سیاسی نادیده گرفته میشود و اکثریت مردم با فقر و گرسنگی و بی سوادی دست و پنجه نرم میکنند و یا مثلا از لحاظ سیاسی احزاب و گروههای سیاسی محلی از اعراب ندارند و یا یک سیستم قانونمند در جامعه حاکم نیست مسلما دروغ و توجیه و ریاکاری و عوام فریبی و سرکوب و خشونت و حذف رقیب نقش اصلی را بازی خواهند کرد.

انتخابات نقش چندانی در این جوامع ندارد و نمایشی بیش نیست. چنانچه میبینم در اکثر جوامع تک صدای و بسته حتی با رد صلاحیت گسترده کاندیداهای رقیب سعی در موفقیت نیروهای خودی میکنند. در این جوامع انتخابات و رای گیری زیاد معنا و مفهوم واقعی پیدا نمیکند و در واقع مردم فقط در یک روز به عمله رای تبدیل میشوند و دیگر هیچ نقشی در روند سیاسی جامعه خود ندارند تا انتخابات بعدی. لذا در این جوامع آراء مردم هیچ تاثیری در سرنوست و آینده آنها ندارد. مطمئن باشید اگر رای گیری و انتخابات در این جوامع چیزی را تغییر میداد جلو رای گیری و انتخابات هم میگرفتند. نمونه بسیار بارز این ادعا انتخاب آقای دکتر روحانی در ایران هست که هیچ اتفاق خاصی در پی نداشت روز از نو روزی از نو . ولی من معتقد بودم جامعه ما در حال گذار از این مرحله هست و رای مردم قدرت خودش را در چندین دوره اخیر نشان داده است. البته نه اینکه با رای خود بهترین ها را انتخاب کرده ایم و توانسته ایم مردم سالاری و شایسته سالاری را حاکم کنیم نه بلکه بدترین ها را شدیدا به چالش کشیدیم و جلو انتخاب بدترینها را گرفته ایم و حداقل صدای مردم کاملا شنیده شده چنانچه امروزه میبینیم لشکری از سنت گرایان افراطی با روحانی در ظاهر معتدل و میانه رو قدرت رقابت نداشتند چه برسد به اینکه یک اصلاح طلب واقعی امکان کاندیداتوری در ریاست جمهوری را داشت که مقدور هم نبود...
با این اتفاقات خیلی ها از جمله خود من کاملا از موفقیت اصلاحات در ایران ناامید شده ایم...
((دکتر عبداللهی))
@drkarimabdollahi